

## آیا شما هم از فمینیسم متنفرید؟

دقیقاً این سؤال خیلی وقت‌ها اجازه نمیدهد ما بخواهیم، چرا در برابر فمینیسم اینقدر گارد گرفته میشه توسط بعضی از افراد، چرا این قدر احساس بد میان گفتارها هست، چرا درد دارد و آیا دردناک است؟ اصلاً آیا به کسی صدمه میزند؟ فمینیسم منفور است چون شما رو ناراحت می‌کند؟ احساس می‌کنید با تعصبات همراه است؟ شاید ممکن است با تعصبات و پیش‌داوری‌ها همراه باشد. خلاصه فمینیسم به معنای پرسش است و این همیشه آسان نیست. ما باید منطقه آسایش خود را برای مواجهه با موضوعاتی که ممکن است دوست نداشته باشیم رو ترک کنیم. این فرآیند می‌تواند دردناک باشد، اما آیا ارزشش را دارد؟ فمینیسم به ما این امکان را می‌دهد که سوالات ناراحت‌کننده‌ای را مطرح کنیم، از جمله اینکه چرا زنان باید نقش‌های خاصی را در جامعه ایفا کنند، چرا باید حقوق برابر داشته باشند و چرا نمی‌توانند آزادانه درباره تمایلات جنسی خود صحبت کنند. این سوالات ما را به بررسی ریشه‌های مشکلات اجتماعی و اقتصادی می‌کشاند و در نهایت به پدرسالاری، مردسالاری و شاید زن‌سالاری به عنوان عامل اصلی این مسائل اشاره می‌کند.

فمینیسم به نوعی یک گفتگو است. این گفتگو به ما این امکان را می‌دهد که به بررسی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بپردازیم که به ما اجازه نمی‌دهند به عنوان انسان‌های برابر با یکدیگر رفتار کنیم. فمینیسم به ما پیشنهاد می‌دهد که شیوه‌های جدیدی از تفکر و عمل را تصور کنیم. این شامل ایجاد هنجارهای جدید همزیستی و روش‌های جدید گفتگو است. آیا می‌توانیم از ایجاد تفاوت‌های جنسیتی در وظایف دست برداریم و به یکدیگر کمک کنیم؟ آیا می‌توانیم برای منافع عمومی کار کنیم و اطمینان حاصل کنیم که همه به نیازهای اولیه خود دسترسی دارند؟

### ساختارشکنی و فمینیسم

ساختارشکنی به معنای بازنگری در ساختارهای موجود و نمایان ساختن آنچه که در سایه باقی مانده است می‌باشد. این فرآیند به ما این امکان را می‌دهد که به بررسی بپردازیم و ساختارهای مخرب را شناسایی کنیم. فمینیسم به عنوان یک جنبش، دعوت به ساختارشکنی می‌کند و این فرآیند می‌تواند دردناک باشد. این درد ناشی از مواجهه با واقعیت‌های تلخ و تغییرات لازم برای بهبود وضعیت موجود است. و در اینجا یک دلیل اصلی برای «نفرت» از فمینیسم وجود دارد: فمینیسم به ساختارشکنی دعوت می‌کند و ساختارشکنی یک روند دردناک است.

**فمینیسم پایانی ندارد و از آنجایی شروع می‌شود که احساس برای تغییر، برابری و بهبود شرایط به آن نیاز پیدا می‌کنیم، و از آنجایی شروع می‌شود که با آن آشنا می‌شویم.**

فمینیسم مثل هر چیز دیگری شاخه‌های زیادی دارد، برای مثال بعضی‌ها برای حقوق و فرصت‌ها تلاش می‌کنند و بعضی‌ها در رابطه با مسائل جنسی و جنسیتی، خلاصه فمینیسم برای شناخت نابرابری است و راه حل برای رسیدن به برابری است و خوب اصل بر چندوجهی بودن و تقاطع است، پس معنای فمینیسم برای هر کسی می‌تواند متفاوت باشد. همه فمینیست‌ها مثل هم فکر نمی‌کنند و نباید هم همینطور باشد، ما ممکن است با هم مخالف باشیم، اما هیچ ایرادی ندارد، هرچه با بینش‌ها، نگرش‌ها و ایده‌های متنوع‌تری مواجه باشیم، درک ما از فمینیسم نیز بهتر و عمیق‌تر خواهد بود، اینکه چه چیزی موجب بهتر شدن شرایط یک نفر بشه کافی نیست، باید بدانیم چه چیزی بهبودی رو در همه افراد ایجاد می‌کند.

### نادکارو

برای برابری تمام انسان‌ها بر طیف جنس، جنسیت و گرایش‌های جنسی و بیان جنسیتی.